



پنجشنبه، ۱ اسفند ۱۳۸۷
۱۹ فوریه ۲۰۰۹

کارگر کمونیست

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm

کوتاه نیاید، اعتصابتان را عملی کنید!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری خطاب به معلمان
صفحه ۳



شهبلا دانشفر

جنبش افزایش فوری و چندین برابر دستمزدها حیاتی است

تشکیل "کمیته مزد" دادند. اکنون ظاهراً کار به روال هر سال به دست "شورای عالی کار" کذایی و بازیگریهای "خانه کارگریها" و

جراحی اقتصاد احمدی نژاد بر روی دستشان ماند و ماده ۱۳ آن که قرار بود بر اساس موضوع تعیین میزان دستمزدها برای سال آتی در کل منتفی شود و از محل آن درآمدی عاید خزانه دولت شود، بصورتی خنده کنار گذاشته شد و خبر از

صفحه ۴

کاری نکنید که صدای کارگران بلند شود

گزارشی از جلسه مدیران پتروشیمی ها و مسئولین منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

شورای تامین استان کلیه حقوق و مزایای کارگران در پایان سال باید پرداخت شود. چرا که منطقه خیلی حساس است و نباید بهانه دست ضد انقلاب بدهیم. کوچکترین حرکت کارگری در آنسوی مرزها توسط ضد انقلاب و بوسیله تلویزیونها در بوق و کرنا کرده میشود. تمام تلاش امنیت کشور و به تبع آن بخشنامه

برگزار کرد. در این جلسه فرماندار خطاب به شرکت کنندگان عنوان میکند که در دوره زمانی و شرایط حساسی قرار داریم و بنابراین باید مواظب تصمیماتی که در باره کارگران میگیریم، باشیم. باوجود مشکلات مالی پروژه ها، اولاً بنا به دستور شورای عالی تامین

مهران شعاعی گزارشگر کارگر کمونیست

روز ۲۰ آذر فرماندار ماهشهر جلسه ای با مدیران پتروشیمی های منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر و شهردار ماهشهر و برخی نمایندگان کارفرماها در منطقه در ساختمان اداری مجتمع پتروشیمی غدیر

صفحه ۵



محمد کاظمی

بعد از نئولیبرالیسم؟

مرکب از ۲۵۰۰ نفر سردمداران سرمایه داری جهانی منجمله ۴۱

شکست مدل اقتصادی نئولیبرالیسم بر همه کس آشکار شد. ولی هیچ آلترناتیوی جایگزین آن نشده است. فوروم اقتصادی جهانی World Economic Forum در اوایل فوریه امسال در شهر "دیوس" سوئیس

بعد از شکست مدل اقتصادی سوسیال دمکراسی در غرب و نئولیبرالیسم آلترناتیو مسلط در دنیای سرمایه داری شد. با بحران اخیر سرمایه مالی، ابتدا در آمریکا و بعد در جاهای دیگر دنیا، دیگر

صفحه ۵

حکومت توحش سرمایه داران را به زیر میکشیم

شلاق زدن فعالان کارگری به جرم شرکت در مراسم اول مه



کاظم نیکخواه

عده ای دیگر از فعالان کارگری و اجتماعی در بیرون از زندان با گل و شیرینی در انتظار آنها به سر می بردند. علاوه بر این دو فعال کارگری مرد این پرونده به نامهای عبدالله خانی و سید غالب حسینی به ترتیب به نود و یک روز زندان تعزیری و تحمل چهل ضربه شلاق و همچنین شش ماه حبس تعزیری و تحمل چهل ضربه شلاق محکوم شده اند و احکام صادره در مورد آنها قرار است به اجرا در آید. اشاره کنیم که سال گذشته نیز احکام شلاق برای چهار نفر از فعالان کارگری در کردستان به اجرا درآمد.

براستی اگر جمهوری اسلامی

صفحه ۴

روز چهارشنبه ۲ تن دیگر از فعالان کارگری را در شهر سنندج شلاق زدند. خبر اینست: احکام ۷۰ ضربه و ۱۵ ضربه شلاق ۴ برای سوسن رازانی و شیوا خیرآبادی دو فعال زن کارگری که در روز ۱۱ خرداد ۸۷ در مراسم روز جهانی کارگر در شهر سنندج دستگیر شده بودند روز ۳۰ بهمن در زندان سنندج به اجرا گذاشته شد. شعبه ۱۰۱ دادگاه جزائی سنندج سوسن رازانی را به تحمل ۹ ماه زندان تعلیقی به مدت سه سال و ۷۰ ضربه شلاق و شیوا خیرآبادی را به تحمل چهار ماه زندان تعلیقی به مدت سه سال و ۱۵ ضربه شلاق محکوم کرده بود که بعد از تجدید نظر حکم شلاق شیوا خیرآبادی به ۱۵ ضربه تغییر داده شد و نهایتاً هر دو حکم روز ۲۷ بهمن به آنها ابلاغ و در زندان سنندج به اجرا درآمد. به گفته یکی از فعالان مدنی سنندج در حالی که این دو زن در زندان سنندج شلاق می خوردند،

"ماهواره امید" و عمق فاجعه

یادداشت‌های يك کارگر - یاشار سهندی - صفحه ۶

طه آزادی به جرم اقدام علیه امنیت ملی محاکمه شد

۵ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه به دادگاه احضار شدند

در حاشیه مسائل و مبارزات کارگران - شهبلا دانشفر - صفحه ۱۲

تغییراتی را می بینم، اما کی و کجایش را نمی دانم

مصاحبه ناصر اصغری با کیم سایپس - صفحه ۸

اخبار اعتراضات کارگری در ایران - صفحات ۱۱-۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

طه آزادی به جرم اقدام علیه امنیت ملی محاکمه شد

۵ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه به دادگاه احضار شدند

شدیدا محکوم کرده و خواهان لغو فوری پرونده های تشکیل شده برای این کارگران و آزادی بدون قید و شرط آنهاست.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی فشار و تهدید بر روی فعالین کارگری و فعالین اعتراضات بخش های مختلف جامعه را شدیدا محکوم میکند و تمامی کارگران و بخش های مختلف جامعه را فرا میخواند تا در کنار اتحادیه آزاد کارگران ایران و سندیکای نیشکر هفت تپه و کارگران شرکت واحد و اتوبوسرانی در مقابل این تهدیدات و فشارها بایستند و با فشار اعتراضات خود احضار کارگران و انسانهای معترض به دادگاه را متوقف کنند. تمامی پرونده های تشکیل شده برای کارگران برای معلمان، برای دانشجویان و برای فعالین معترض در جامعه باید فوراً لغو شود. احضارها باید متوقف شود و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۹ بهمن ۸۷ - ۱۷ فوریه ۲۰۰۹

iran_political_prisoner@yahoo.com
shahla_daneshfar@yahoo.com

سندج انتقال دادند و هم زمان هم خبر رسید که پدرام را با قرار وثیقه ۲۰ میلیون و برهان را با ۵ میلیون تومانی آزاد می کنند. روز شنبه ۲۶ بهمن، خانواده این دو فعال کارگری به دادگاه شعبه ۴ اداری و شخصی بنام کامیانی که رئیس این شعبه می باشد، مراجعه کرده و آنها با مخالفت این شعبه مبنی بر آزادی آنها مواجه می شوند. این در حالی است که خودشان بطور غیابی از آزادی این دو فعال در بند خبر داده بودند.

کمیته دفاع از پدرام و برهان ۲۶ بهمن ۱۳۸۷

صدر به وی ابلاغ خواهد شد. همچنین ۵ نفر از اعضای اصلی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه انقلاب دزفول احضار شدند. دادگاه این کارگران قرار است امروز ۲۹ فروردین توسط اندی رئیس شعبه ۱ دادگاه انقلاب دزفول انجام گیرد. جرم این کارگران برپایی سندیکای نیشکر هفت تپه است.

قبلاً نیز گزارش کردیم که ۶ نفر از کارگران سندیکای شرکت واحد عطا باباخانی، سعید ترایان، عباس نژاد کودکی، علی زاده حسین، داود رضوی و یعقوب سلیمی به جرم شرکت در اعتصاب سال ۸۴ کارگران شرکت واحد بین ۶ تا ۱۴ ماه احکام زندان گرفته اند و هم اکنون منصور اسانلو و ابراهیم مددی بر اساس همین اتهامات در زندانند.

در جمهوری اسلامی شرکت در اعتصاب، ایجاد تشکل و اعتراض برای گرفتن حق و حقوق خود جرم است و به موجب آن کارگر حکم زندان و شلاق میگیرد. باید وسیعاً در مقابل این احکام ایستاد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی احضار طه آزادی و کارگران نیشکر هفت تپه و محاکمه آنها را

یکی از فعالین کارگری که در شهر اصفهان بازداشت شده و ماهها بود در زندان بسر می برد به طور مشروط از زندان آزاد شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران آزادی افشین شمس را به خانواده وی و عموم کارگران صمیمانه تبریک میگوید و خواهان آزادی کلیه فعالین کارگری و دانشجویان در بند از زندان است. (اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۶ بهمن ماه ۸۷)

آخرین خبر در خصوص وضعیت پدرام نصر الهی و برهان سعیدی

روز ۲۵ بهمن ماه سال جاری، پدرام و برهان را به زندان مرکزی شهر

طه آزادی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران روز یکشنبه ۲۷ بهمن بر اساس احضاریه شعبه دوم دادگاه انقلاب کنگان به این دادگاه مراجعه و ساعت ۱۱ صبح مورد محاکمه قرار گرفت. طه آزادی به دلیل برگزاری اول مه امسال در عسلویه توسط قاضی دادگاه جمهوری اسلامی به اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام متهم شد. او در همین رابطه در اول مه امسال در عسلویه دستگیر و ۴۷ روز تحت فشارهای جسمی و روحی در زندان بسر برد. طه آزادی در این محاکمه برگزاری مراسم اول ماه مه را حق خود و تمامی کارگران دانست و اتهامات دادگاه را ناوارد دانست. طه اعلام کرد: اگر برگزاری اول ماه مه که حق مسلم کارگران است از نظر شما اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام است این دیگر نظر شماست. او در ادامه دفاعیه خود با اشاره به پلاکاردها و پارچه نوشته هایی که عکس آنها گرفته شده بود اظهار داشت: همانطوری که مشاهده میکنید در این پلاکاردها ما خواهان یک زندگی بهتر شده ایم و چنین خواستهایی را ما کارگران حق خود می دانیم. در پایان این محاکمه که یک ربع ساعت طول کشید به طه آزادی اعلام گردید حکم دادگاه پس از

آخرین خبر از احضار کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه

دو نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای علی نجاتی و فریدون نیکو فرد به ترتیب در روزهای ۲۷ و ۲۹ بهمن ماه مورد محاکمه قرار گرفتند و قرار است سه نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به نامهای حیدری مهر، قربان علی پور و جلیل احمدی به همراه ابوالفضل عابدینی خبر نگار در روز پنجم اسفند ماه به محاکمه کشیده شوند.

افشین شمس از زندان آزاد شد
بنا بر اخبار منتشره افشین شمس



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

در باره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@gmail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شها دانشفار

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.



کنند، در اعلامیه هایشان بنویسند و مردم را به حمایت از اعتصاب و خواسته‌های خود فراخوانند تا جلو هرنوع سازش و سردواندن را بگیرند. با بلند کردن این خواست‌ها، کارگران و بخشهای مختلف مردم نیز فعالانه تر از اعتصاب و خواست‌های معلمان حمایت خواهند کرد. نیروی میلیونی معلمان در صورت اتحاد و یکپارچگی و با شعارها و خواسته‌های روشن میتواند هر خواستی را به حکومت تحمیل کند.

حزب کمونیست کارگری همه معلمان در سراسر کشور را به اعتصاب متحد و یکپارچه در روزهای ۴ و ۵ اسفند فرامیخواند. حزب دانش آموزان و دانشجویان و همه مردم در سراسر کشور را به حمایت قاطع از اعتصاب معلمان و خواست‌های بحق آنها فرامیخواند. خواست‌های معلمان خواست‌های اکثریت عظیم مردم است و باید با تمام قوا مورد حمایت مردم قرار گیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ فوریه ۲۰۰۹، ۱ اسفند ۱۳۸۷

بازداشت سه تن از فعالین کارگری در مریوان

در تاریخ ۱۹ بهمن ۸۷ ساعت دو بامداد، مأمورین امنیتی به خانه سلام قادری و خالد اسدزاده از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری یورش برده و نام بردگان را بازداشت کردند. در همان روز نیز آزاد حسینی یکی دیگر از فعالین کارگری در این شهرستان بازداشت شد.

تا کنون به خانواده‌های این سه کارگر دستگیر شده ملاقاتی داده نشده است. بنا به گزارش یک بار در حالی که شکنجه شده بودند آنها را به دادگاه برده و دوباره به زندان برگرداندند. بخصوص سلام قادری به شدت مریض است و در بیرون زندان همیشه تحت نظر دکتر بوده و الان بدون دسترسی به داروهایش و دکتر و بر اثر شکنجه جانش در خطر است.

کوتاه نیاید، اعتصابات را عملی کنید!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری خطاب به معلمان

نیستند و توده معلمان را نمایندگی نمیکند. اینجا است که نقش معلمان کمونیست و رادیکال که قاطعانه بر کلیه خواسته‌های بحق معلمان پافشاری کنند و از رهبری سازشکار کانون عبور کنند، اهمیت بیشتری پیدا میکند. حزب کمونیست کارگری معلمان رادیکال و آزادیخواه را به پیوستن به حزب کمونیست کارگری فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ فوریه ۲۰۰۹، ۱ اسفند ۱۳۸۷

اطلاعیه شماره ۱ از اعتصاب سراسری معلمان در روزهای ۴ و ۵ اسفند حمایت کنیم

روزهای یکشنبه و دوشنبه ۴ و ۵ اسفند روزهای اعتصاب سراسری معلمان است. این فرصتی است که بیش از یک میلیون معلم در سراسر کشور متحد و یکپارچه در اعتصاب شرکت کنند و جمهوری اسلامی را وادار کنند که به خواست‌های آنها پاسخ دهد. این در عین حال فرصتی است برای همه مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی که به هر شکل که میتوانند از این اعتصاب حمایت کنند و روزهای ۴ و ۵ اسفند را به روزهای مهم و بیاد ماندنی در دفاع از حقوق خود و مبارزه علیه حکومت اسلامی تبدیل کنند.

فراخوان دهنده "اعتصاب کانون صنفی معلمان" است. فشار توده معلمان برای دست زدن به یک اقدام بزرگ و رزمنده، نارضایتی گسترده معلمان از وعده‌های توخالی دولت در چند سال گذشته و خشم و نفرت از اوضاع فلاکت بار کنونی، کانون صنفی را بر آن داشت که به اعتصاب فراخوان دهد اما کانون صنفی در عین حال اعلام کرده است که اگر رئیس جمهور یا معاون اول او قبل از اعتصاب قول رسیدگی به خواسته‌ها را بدهند فراخوان را پس خواهد گرفت! علاوه خواست محوری که از طرف

جا را برای عقب نشینی و سازش باز گذاشته بود و نهایتاً سه روز قبل از شروع اعتصاب تصمیم خود را پس گرفت و آب سردی بر شور و شوق توده وسیع معلمان برای يك اعتصاب بزرگ و سراسری ریخت. وعده اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری قبلاً نیز داده شده بود و وعده احمدی نژاد هیچ چیز تازه‌ای نبود که بهانه به مسئولین کانون بدهد تا اعتصاب را به بهانه آن تعلیق کنند. علاوه این خواست مبهم و ناروشن، تنها یکی از خواسته‌های معلمان است. افزایش حقوق برای يك زندگی انسانی، اجرای طرح نظام هماهنگ حقوقها، استخدام معلمان حق التدریس، پرداخت همه طلبه‌های معلمان اعم از معلمان بازنشسته و رسمی و حق التدریس، حل معضل مسکن، درمان و بهداشت رایگان، حق تشکل و اعتصاب، آزادی فرزند کمانگر، لغو همه احکامی که علیه معلمان صادر شده است و پایان دادن به پرونده سازی علیه معلمان بخشی از خواسته‌های معلمان است که در سالهای گذشته به عناوین مختلف از جانب معلمان در اعتصابات و تجمعات و بیانیه‌های آنها فریاد زده شده است.

حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که معلمان تنها با دست زدن به يك حرکت اعتراضی و متحدانه میتوانند خواسته‌های خود را به کرسی بنشانند. حزب از معلمان در سراسر کشور میخواند که تسلیم سازشکاری دست اندرکاران کانون صنفی نشوند و خود را برای يك اعتصاب سراسری و پر قدرت آماده کنند و مطمئن باشند که اعتصاب آنها از حمایت وسیع دانش آموزان و کلیه مردم معترض و آزادیخواه برخوردار خواهد بود. حزب کمونیست کارگری و کانال جدید نیز با تمام توان از اعتصاب معلمان حمایت خواهد کرد.

تصمیم سازشکارانه رهبران کانون صنفی، در عین حال توده وسیعتری از معلمان را به این مساله آگاه خواهد کرد که اینها رهبران واقعی معلمان

در شرایطی که توده وسیع معلمان خود را برای اعتصاب سراسری روزهای ۴ و ۵ اسفند آماده میکردند و شور و شوق، معلمان و دانش آموزان را در بر گرفته بود، بیانیه ای از طرف کانون صنفی معلمان مبنی بر تعلیق اعتصاب منتشر شد. کاربدستان کانون صنفی برای توجیه عقب نشینی خود، به وعده احمدی نژاد که گفته است از فروردین ۸۸ حقوق کارمندان بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری خواهد بود، استناد کرده اند. حزب کمونیست کارگری تصمیم به تعلیق اعتصاب را مماشات آشکار رهبران کانون صنفی با حکومت میداند و توده معلمان را فرامیخواند که به حرکت خود ادامه دهند و تصمیم به اعتصاب سراسری در روزهای ۴ و ۵ اسفند را با تمام قوا عملی کنند.

با توجه به موضع پرورشی تصمصم گیرندگان اصلی کانون صنفی از جمله باغانی و بهشتی که همین چندی پیش معلمان را به شرکت در مضحکه انتخاباتی رژیم تشویق میکردند و مجلس اسلامی مشتاق فاسد و دزد و جنایتکار را خانه ملت مینامند، شکستن اعتصاب معلمان اقدام غیر منتظره ای نبود. در اطلاعیه حزب که ساعتی قبل از درج اطلاعیه کانون صنفی در سایت این کانون منتشر شده است، گفته شده که آمادگی توده وسیع معلمان برای يك اعتصاب قدرتمند، طرح خواست‌های روشن و شفاف و شرکت فعال آنها در اعتصاب است که به يك حرکت قدرتمند تبدیل میشود و مانع مماشات و سر دواندن معلمان میشود. این پیشبینی حزب کاملاً هوشیارانه و بجا بود و کماکان به قوت خود باقی است. تنها با مشارکت فعال توده وسیع معلمان و بویژه معلمان کمونیست و رادیکال است که امکان تحقق مطالبات معلمان و عقب راندن حکومت وجود دارد. کانون صنفی فراخوان به اعتصاب را تحت فشار توده معلم معترض داده بود و صریحاً

پاسخ فوری کارگران: برپایی اول مه باشکوه و میلیونی

پاسخ فوری کارگران در ایران به این احکام سخیف و ضد کارگری، یک چیز است: برپایی هرچه گسترده تر همین اول ماه مهی که در پیش است. قطعاً وظیفه همه فعالین کارگری است که تلاش کنند هزاران و دهها و صدها هزار تن از کارگران در اول مه امسال به خیابان ها بیایند. جمع شوند. قطعنامه بدهند. به حاکمیت سرمایه داران اعتراض کنند. باید به ارتجاع عهد عتیقی سرمایه داران بگویند اگر میخواهید شلاق بزیند باید جرات کنید و همه ما را شلاق بزیند. از هم اکنون باید در تدارک برپایی هرچه وسیعتر مراسم اول مه امسال بود. باید توده های وسیع کارگران را به اهمیت برپایی مراسم اول مه آگاه کرد و آنها را به شرکت هرچه وسیعتر در تجمعات اول مه تشویق کرد.

واقعیت اینست که روزهایی مثل اول مه و هشت مارس از همان ابتدای به قدرت رسیدن فسیلهای

را برای آن آماده کنیم. بویزه امسال در اوضاع کاملاً متفاوتی وارد چنین جنگ و رودرویی ای شده ایم. امسال از خیلی قبل کارگران از تشکلهایی چون سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد، اتحادیه آزاد کارگران ایران و تعدادی از مراکز کارگری و کارگرانی از عسلویه و سئندج و غیره طوماری اعتراضی علیه سطح نازل دستمزدها دادند و اعلام داشتند که داشتن یک زندگی انسانی حق مسلم ماست و خواهان افزایش دستمزدها شدند. همچنین در همین هفته جاری بود که بازنشستگان تامین اجتماعی در مقابل مجلس اسلامی جمع شدند و خواهان افزایش حقوقهایشان شدند و معلمان نیز با خواست سطح حقوقهای خود اعلام اعتصابی سراسری کردند و هم اکنون زمره این اعتراض وسیع است. این در حالیست که گرانی و افزایش سرسام آور قیمت ها فریاد کل جامعه را بلند کرده است. همه میگویند دیگر با این

حاکم، به موضوع جدال کارگران و نیروی رادیکال و چپ جامعه با حکومت اسلامی سرمایه داران تبدیل شده است. ما کارگران و کمونیستها نگذاشتیم اول مه را قلم بگیرند و حرف خمینی امام رذلشان را به قانون تبدیل کنند که "همه روزها روز کارگر است" که در واقع معنایش این بود که هیچ روزی روز کارگر نیست. فشار اعتراضات کارگران و نیروی چپ جامعه در اوایل دهه هشتاد میلادی پوزه حاکمین را به خاک مالید. مجبورشان کردیم "روز جهانی کارگر" را وارد قانونشان کنند (گرچه بعنوان ۱۱ اردیبهشت و نه اول مه). مجبورشان کردیم به قدرت کارگران و اهمیت اول مه اعتراف کنند. اما این جنگ تمام شده نیست. هر سال باید با آنها جنگید تا بتوان اول مه را برگزار کرد. هر سال فشار و تهدید و دستگیری ها و احکام زندان و دستگیری را در مقابل کارگران میگذارند. و هر سال ما اول مه را برگزار کرده ایم. اول مه جایش را در جامعه ایران باز کرده است. اما ما باید تلاش کنیم با اول

وضع نمیشود ادامه داد. باید کاری کرد. در چنین شرایطی خواست افزایش حقوقها خواست کل جامعه است و در عین حال نقطه انفجار جامعه در برابر این فقر مطلق و گرانی روزافزون قیمت هاست. امروز بیش از هر وقت زمینه برای شکل دادن به یک جنبش سراسری و قدرتمند حول خواست افزایش دستمزدها فراهم است. باید فعالانه این جنب و جوش اعتراضی موجود را به یک جنبش وسیع اجتماعی تبدیل کنیم. باید این موضوع را به موضوع بحث در مجامع عمومی کارگری در همه جا تبدیل کرد و خواست افزایش فوری دستمزدها و تعیین مبلغی برای آن را به یک حرکت سراسری در همه مراکز کارگری تبدیل کرد. باید از مبارزاتی که همین امروز حول این خواست جاریست، از مبارزه معلمان و طومار اعتراضی کارگران برای خواست افزایش دستمزدها وسیعاً حمایت کرد. باید با قطعنامه هایی

مه این جنگ را به پایان برسانیم. این یعنی تعطیل رسمی اول مه و برپایی هرچه وسیعتر اول مه! جمهوری اسلامی میداند که روزی که کارگران در صفوف میلیونی به خیابانها بیایند و روز جهانی کارگر را برپا کنند کارش تمام است. باید برود. و همین به برپایی هرچه با شکوه تر اول مه اهمیتی صد چندان میدهد. همین باعث میشود که برپایی اول مه در ایران جایگاهی متفاوت از سایر کشورها داشته باشد. در عین حال همین جایی است که امکان تعرض بیشتری را به کارگران میدهد. اگر حکومت مجبور شده است در برابر روز جهانی کارگر سر خم کند این یعنی ما امکان تعرض داریم. میتوانیم توده وسیعی را به خیابانها بکشانیم و تظاهراتهای هزاران نفره و صدها هزار نفره برپا کنیم. رهبران کارگری باید تلاششان چنین اول ماه مهی باشد. پاسخ کارگران به احکام شلاق زند و زندانی کردن کارگران چنین پاسخی است. و امکان دادن چنین پاسخی دندان شکنی به حکومت فی الواقع وجود دارد.

روشن بر سر خواست افزایش دستمزدها، به میدان آمد و کارگران را حول آن متحد کرد. باید اعلام داشت که ما کارگران خواهان افزایش فوری دستمزدهایمان هستیم. برده نیستیم که "کمیته مزد" شما میزان دستمزد ما کارگران را از بالای سر ما و بدون دخالت کارگران تعیین کند و همگام با آنها شوراهای اسلامی و خانه کارگر و دارودسته های دیگری که در کارخانجات به راه انداخته اید بازاریابی کنند. بساط همه اینها را از کارخانجات جمع خواهیم کرد. ما خودمان میخواهیم که شرایط فروش نیروی کارمان را تعیین کنیم و دیگر به زندگی در زیر خط فقر تن نخواهیم داد و بالاخره اینکه برای میزان دستمزد خود رقمی تعیین کنیم. خلاصه اینکه خواست افزایش دستمزدها امروز آن حلقه ایست که میتواند مبارزات بخش های مختلف جامعه را به هم پیوند دهد. باید حول این خواست گرد آمد.

حکومت توحشی سرمایه داران...

از صفحه ۱

احکام در تاریخ این جامعه و کل تاریخ بشریت به عنوان یک ننگ و یک لکه سیاه ثبت میشود. این احکام حکم محکومیت کل طبقه سرمایه دار را تاکید میکنند. این احکام محکومیت نه فقط این حکومت بلکه کل دولتها و نهادهایی را که با این حکومت مماشات میکنند تاکید میکنند. کارگر را به جرم شرکت در اول مه شلاق میزنند و همین حکومت عضو سازمان ملل است! کارگر را شلاق میزنند اما همین حکومت عضو سازمان جهانی کار است! کارگر را به جرم شرکت در مراسم اول مه شلاق میزنند اما همین حکومت در تمام کشورهای بورژوازی سفارت خانه هایش دایر است و حکومتها با آن مرادوات دیپلماتیک خود را حفظ کرده اند! در عین حال همه این حکومتها مدعی دفاع از ارزشها و حقوق انسانی هستند! شرم بر این طبقه مرتجعی که جز با ارتجاع و ضدیت با ابتدایی ترین ارزشهای انسانی قادر به حفظ نظامش نیست.

طی ۳۰ سال حاکمیت خود فقط همین دو قلم وحشی گری یعنی شلاق زدن کارگر به جرم شرکت در مراسم اول مه را در کارنامه خود داشت باید از جانب کل بشریت محکوم میشد و به زیر کشیده میشد. شلاق زدن کارگر به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر آن هم در اول قرن بیست و یکم، پا گذاردن روی تمام دستاوردهای انسانی و حقوقی بشریت تاکنون است. گویی ما در عصر برده داران و خلفا و شاهان و امپراطورهای پیش از قرون وسطا زندگی میکنیم.

برای مصمم شدن کارگران برای انقلاب علیه این ماشین ارتجاع ضد کارگری همین دو حکم کافی است. شلاق زدن توهین به بشریت است. شلاق زدن کارگران به جرم شرکت در مراسم اول مه روز جهانی کارگر اما اوج پوسیدگی و گنبدیدگی حکومت و ضدیت آنرا با ابتدایی ترین معیارهایی که یک حکومت در قرن بیست و یکم قاعدتاً باید داشته باشد جلوی چشم همه میگذارد. این

جنبش افزایش فوری و ...

از صفحه ۱

دستمزد کارگران را البته با احتساب ۴۱ قلم کالاها اساسی ۶۸۹ هزار تومان رقم میزند و همانجا به امکان افزایش قیمتها در سال آینده با توجه به مطرح بودن طرح هدفمند کردن یارانه ها نیز اشاره دارد. در این میان نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار نیز می گوید: پیشنهاد کارگران اگرچه با واقعیتهای تطابق دارد ولی قابل اجرا نیست. تعیین میزان حداقل دستمزد و نقش هر ساله شوراهای اسلامی و خانه کارگر در کنار شورایی عالی کار جمهوری اسلامی بیش از پیش جایگاه مخرب این تشکل های دست ساز دولت را به عنوان مانعی بر سر مبارزات کارگران به نمایش میگذارد.

واقعیت اینست که نتیجه واقعی میزان حداقل دستمزد کارگران را یک رودرویی و مبارزه متحد با این جنایتکاران تعیین میکند و باید خود

شوراهای اسلامی افتاده است. عیوضی مسئول کمیته مزد در اولین گزارش کار این کمیته سبد هزینه کارگران را ۶۸۹ هزار تومان اعلام کرد و با عنوان اینکه این مبلغ تنها روی کارگران است و دولت به آن توجهی نخواهد کرد بشیرمانه چهره ای سخاوتمندانه به خود گرفت تا زمینه را برای بازی مسخره هر ساله و اعلام چند درصدی افزایش به سطح همین دستمزد کنونی یعنی ۲۱۹ هزار تومان و حمله به معیشت کارگران و کل جامعه آماده میکنند. این در حالیست که در آمارهای اعلام شده از سوی خود دولت خط فقر ۷۰۰ هزار تومان است. اگر چه حقیقت بسیار فراتر از ارقام اعلام شده این حضرات است. جالب اینجاست که علی دهقان که عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران بدنبال غور و تفحص فراوان حداقل

بعد از نئولیبرالیسم...

از صفحه ۱

نفرز مقامات بلند پایه دولتهای سرمایه داری که قرار بود به این بی‌آلترناتیوی جهان سرمایه داری پاسخ گو باشد بی نتیجه به کار خود پایان داد. آقای اوباما که چشم همه جهانیان به او دوخته بود که نه تنها آمریکا بلکه جهان را نجات دهد با طرح استراتژی حمایت از تولیدات داخلی "پروتکشنیزم" Protectionism بزودی مورد ملامت و انتقاد شدید دولتهای سرمایه داری در کشورهای دیگر قرار گرفت بطوریکه اومجبور شد که در این استراتژی تجدید نظر کند. اما جنبش رفرمیستی-اتحادیه ای غرب - این کاسه داغتر از آش - هم چنان از این استراتژی حمایت کرده بطوری که برخی اتحادیه های کارگری در انگلیس با شعار "British jobs for British workers" به خیابان آمدند. بهر حال سردرگمی و بی‌آلترناتیوی کماکان از مشخصات کنونی جهان سرمایه داری است. اما قبل از آنکه روندهای احتمالی در جهان سرمایه داری و آلترناتیو احتمالی نیولیبرالیسم را مورد بررسی قرار دهیم اجازه دهید اتفاقات یک ماه اخیر را از نزدیکتر مورد بازبینی قرار دهیم.

مروری بر سردرگمی در فوروم جهانی اقتصادی امسال: آقای Robert Greenhill رییس مرکز تحقیقات پیشرفت جهانی با عبارت زیر حال و هوای WEF امسال را ترسیم می کند: "WEF در سال ۱۹۷۰ و در زمان بی ثباتی و تفرقه (در جهان سرمایه داری) تاسیس شد. فوروم امسال بازگشت به آن دوران است. در فوروم امسال نمایندگان جمع شده اند تا یادداشت های خود را باهم دیگر مقایسه کرده و راه حلی برای برون رفت از این بحران اساسی پیدا کنند." Financial Times در همین راستا می نویسد: "اعتقاد به اینکه ترکیبی از جهانی شدن،

ابتکارات مالی و رقابت با بازار آزاد می تواند یک سیستم مالی بهتری ایجاد کند از بین رفته است. بنابراین سوالی که بالای سرگردهمایی امسال در دیوس چرخ می زند این است که چه چیزی می تواند، اگر اصلا چیزی باشد، جای گزین این اعتقاد شود." در روز اول فوروم نخست وزیران کشورهای چین و شوروی با حمله غیرمستقیم به آمریکا آنرا متهم به تسریع کردن بحران جهانی می کنند. آقای Putin از این هم فراتر رفته به ایده "جهان یک قطبی" حمله کرده و خواهان پایان دادن به تسلط دلار آمریکا میشود. نمایندگان سایر کشورها با ابراز ملاحظاتی و انتقادات مشابه ای نظیر "خطر سوداگری" و یا "اقتصادهای بزرگ بازارهای سرمایه جهانی را برای خود اختصاص می دهند" مستقیم و یا غیر مستقیم تسلط مالی کشورهای بزرگ سرمایه داری و بخصوص آمریکا را زیر سوال بردند.

از طرف دیگر، دولت آقای اوباما با نفرستادن حتی یکی از مقامات بلند پایه دولتی عملا این فوروم را بایکوت کرد. ولی طنز قضیه در آن است که اگرچه استراتژی پروتکشنیزم دولت آمریکا و مضرات آن برای جهان سرمایه داری مورد انتقاد دیگران قرار گرفت □ صدای این استراتژی از طرف تعدادی از نمایندگان سایر کشورها منعکس شد. بطوری که یکی از نمایندگان از "موج افزایش ناسیونالیسم اقتصادی" صحبت کرد. توسل جنبش رفرمیستی-اتحادیه ای در غرب به ناسیونالیسم: "Buy American" طرح پیشنهادی دولت اوباما است که در آن استفاده از آهن و فولاد وارداتی در ساختن پروژه های دولتی برای راه اندازی اقتصاد کشور را ممنوع می کند. این طرح کشورهای دیگر سرمایه داری منجمله کانا را که با آمریکا قرارداد تجارتي

NAFTA دارند عصبانی کرده است. منجمله آقای "دی" وزیر تجارت بین الملل کانا را در یک مصاحبه تلویزیونی از دیوس میگوید که الان موقع خوبی برای ایجاد موانع پروتکشنیزم نیست چرا که این طرح کارگران فلزکار کانا دایی را از بازار آمریکا خارج می کند. این در حالی است که بر طبق آمار ارائه شده از طرف آقای دی فقط در سال ۲۰۰۷ میلادی ارزشی در حدود یک میلیارد دلار سنگ معدن حاوی آهن و استیل از کانا را به آمریکا فرستاده شده است. اگرچه دولت اوباما فوراً متوجه خطر پروژه "Buy American" شده و قول داده است که این پروژه در راستای قوانین بین المللی تجارت آزاد تعدیل گردد ولی اتحادیه های کارگری چه در آمریکا و چه در کانا کماکان از پروژه پروتکشنیزم حمایت می کنند.

جالب اینست که "کن نیومن" و "کن لیونزا" روسای دو اتحادیه بزرگ کانا - USW, CAW در یک نامه مشترک صراحتاً از پروژه "Buy Canadian" حمایت کرده و از دولت کانا می خواهند که با استقرار چنین سیاستی دولت باید اطمینان دهد که بیشترین سرمایه گذاری عمومی باید روی کالاها و سرویس هایی انجام گیرد که در کانا ساخته میشوند. همان طوری که در ابتدای این نوشته گفته شد اخیراً در یک مورد معین کار حمایت از پروژه پروتکشنیزم در انگلیس به تظاهرات خیابانی کشید. کارگران پالایشگاه لیسزنی با بنرها و پلاکاردهای "British jobs for British workers" به کارگرفتن کارگران ایتالیایی در این پالایشگاه اعتراض کردند. اگرچه اتحادیه های کارگری اعلام کردند که اعتراضات آنها بر علیه کارگران خارجی نبوده است. ولی پلاکاردها و بنرها به اندازه کافی گویا بود که اتحادیه های کارگری چه کسانی را مسول بحران می دانند: کارگران خارجی و یا دولت سرمایه داری انگلیس را! این

در شرایطی است که خود آقای گوردون براون نخست وزیر انگلیس که خود زمانی این شعار را مطرح کرده بود آنرا محکوم کرده است. آیا سوسیال دموکراسی جهانی آلترناتیو نیولیبرالیسم است؟ آقای Walden Bello در مقاله ای تحت عنوان "اجماع در سرمایه داری آینده" معتقد است که ترکیبی از سوسیال دموکراسی اروپایی و new deal "معاهده جدید" آمریکایی روزلت که او آنرا Global Social Democracy (GSD) می خواند آلترناتیو بسیار محتمل نیولیبرالیسم خواهد بود. از نظر آقای بلو □ یکی از طرفداران این مدل اقتصادی آقای گوردون براون با تزر سرمایه داری متحد Alliance Capitalism است. سرمایه داری که در سطح جهانی همان کاری را خواهد کرد که "نیو دیل" روزولت در سطح کشوری انجام داد: "حفظ کردن مزایای بازار و تحت کنترل درآوردن بی عدالتی های آن". هم چون Keynesianism سنتی در سطح محلی، "سوسیال دموکراسی جهانی" در سطح جهانی در جستجوی مدل های جدیدی است

کاری نکنید که ...

مدیران باید در این جهت باشد که تا پایان سال و همچنین تا انتخابات ریاست جمهوری نباید هیچ کارگری را اخراج کنند. مسئولیت اجرائی کردن این تصمیم با مدیران عامل مجتمع ها (یعنی بالاترین مقام هر مجتمع) میباشد و در صورت مشاهده هر گونه حرکتی که باعث سر و صدای کارگران شود، شخص مدیر عامل باید جوابگو باشد. جلسه تماماً حول و حوش مسائل کارگری ادامه پیدا میکنند. اکثر مدیران از لزوم اخراج کارگران بدلیل مشکلات مالی صحبت میکنند و درخواست میکنند که در اینصورت باید مشکل تامین مالی از طریق دولت در اولویت قرار گیرد و دولت به شرکتها پول بپردازد. فرماندار در

که تمایل سرمایه داری بسمت بحران را کنترل و یا به حداقل برساند. آقای بلو معتقد است که گذشته از آقای براون، افراد با نفوذ دیگری چون آقای بیل گیت، رییس شرکت میکروسافت و یکی از ثروتمندترین مردان دنیا، آقای کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل و اقتصاد دان معروفی چون جفری ساچ از این مدل اقتصادی حمایت کرده اند. اینکه این مدل اقتصادی پاسخگویی بحران و معضلات موجود باشد جای تردید بسیار وجود دارد. حتی در صورت به اجرا در آمدن چنین مدلی، این نظام از بحرانها و معضلات عمیق خود خلاص نخواهد شد. این مدل نسخه ای برای مشروع جلوه دادن سرمایه داری است، نظامی که با شکست مدل های پیشین خود یعنی نیولیبرالیسم بحران و ویرانی بجا گذاشته است. آنچه دارد در وسط همه این بحرانها و بن بستها تاکید میکشود اینست که طبقه کارگر و کل بشریت چاره ای بجز روآوری به سوسیالیسم برای رهایی از کل این نظام و بحرانها و مصائبش ندارد.

از صفحه ۱

جواب به مشکل کسری بودجه دولت اشاره کرد و روی حرف خود تاکید کرد که بهر حال انتظار دولت اینست که این وضعیت باید بصورت صحیحی مدیریت شود و اصلاً این جلسه برای همین برگزار شده است. او به همه اولتیماتوم داد که نباید کوچکترین سروصدائی از کارگران در منطقه بلند شود. و این اساس کار ماست. اگر میخواهید اخراج کنید، باید تضمین کنید که هیچگونه سر و صدائی بلند نخواهد شد و فقط در این حالت است که مجاز به این کار هستید. جلسه با تاکید فرماندار بر شرایط حساسی که دولت جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته است، به پایان رسید.

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

«ماهواره امید» و عمق فاجعه

یادداشت‌های یک کارگر

یاشار سهندی

پیرزنی را میشناسم که هر روز در دو وعده خودش را به سر قرار میرساند! او باید چالاک باشد. با وجود کهن سالی به اندازه کافی چالاک هست. یعنی اگر او را در یک لحظه در سر کوچه مبینید در لحظه بعد ته کوچه است. مشمایی در زیر چادر مشکی خود دارد که صدای خش خش آن از حضور پیرزن خبر میدهد. او یکبار صبح سحر و یکبار دم دمای غروب پیدایش میشود. محاسباتش دقیق است. در این دو وقت زمانی است که او میتواند چیزی گیر بیورد کمی دیرتر از این ایام کسانی دیگر همان چیزها را برده اند. او از رهگذران رو میگیرد. دوست ندارد به او به چشم یک آدم نیازمند و مفلوک نگاه کنند. اگر کسی از روبرو ببیند و یا حس کند کسی پشت سر هست بگونه ای خودش را به کار دیگری مشغول میکند تا از او درگذرند. رهگذران نیز شرمسار از این وضعیت به سرعت میگذرند تا او به کار خود مشغول باشد. کسی گویی چیزی نمیبیند! نه پیرزن، نه رهگذران. با تنها کسانی که هم کلام میشود نوجوانانی هستند که به نوعی رقیب او هستند! آنها به اقتضای سن فرزند و گاری را با خود حمل میکنند که دهها برابر پیرزن میتوانند اشیا را جابجا کنند.

میتواند او را در روز به چهار صد و پانصد تومان پول برساند. این طلای کثیف عمق فاجعه و جنایتی مخوفی که در بطن اجتماع جریان دارد را برملا میکند. پیرزن صبح سحر بیرون میزند قبل از اینکه کارگران شهرداری تنمه آشغالها را برده باشند، نزدیک غروب می آید چون در طول روز کسانی آشغالهای خود را بیرون میگذارند و عموماً در این زمان اشیا بی کهنه شده را دور می ریزند تا مثلاً پوست بادمجان را!

با خود می اندیشم سهم این زن از زندگی همین است، یک تیکه زباله؟ آیا پولی که برای هوا کردن ماهواره امید بکار رفت چند تا از این پیرزان ویا آن نوجوانان رقیب او را میشود سامان داد. چطور آن فاشیستهای ایرانی تبار خون جگر نمیشوند وقتی این وضعیت را مبینند (آیا اصولاً چشم بینا برای دیدن این فجایع دارند؟) اما به حساب کثیف خودشان خوار شدن مردم آن سوی خلیج را کیف میکنند. این چگونه تمدنی است که برای صلح به گفته احمدی نژاد فاشیست باید ماهواره فرستاد آسمان که بعدها همین تکنولوژی میتواند در خدمت پرتاب موشک هسته ای قرار گیرد. این تمدن به راحتی هزاران، بلکه میلیون میلیون امثال این پیرزن را زیر دست و پای خود له میکند و کک شان هم نمیکند. کدام صلح، کدام تمدن، کدام پیشرفت؟ اینها دیگر چه جور موجوداتی هستند؟ در سی سالگی انقلاب ۵۷، ضد انقلاب ۵۷ با موشک هوا کردن خفت و خواری توده مردم را جشن میگیرد و آن یکی در لندن و آن یکی در تهران بشکن میزند که «ما میتوانیم!». در سی سالگی انقلاب ۵۷ ما باید بتوانیم این بختک عظیم را از روی سینه جامعه برداریم و

قطعا طولی نخواهد کشید که بر خواهیم داشت.

قربانی یا مقصر؟

مثل اینکه قرار است تا دنیا دنیا است ما توده کارگر و زحمتکش برای کار نکرده تقاص پس بدهیم و سرکوفت بخوریم. سی سال از عمر پر از نکبت جمهوری اسلامی میگذرد. ظاهراً گناه نکبت این کرگدنهایی اسلامی هم به گردن ماست که شاه و ساواک و دربار و فقر و فلاکت نمیخواستیم و دست به انقلاب زدیم. کم مورد شمانت قرار نگرفتیم که چرا مشت تان را گره کردید! چرا مرگ بر شاه گفتید!

البته ما توده کارگر و زحمتکش یک کاری کردیم کارستان، و آن این بود که سی سال پیش به خیابان آدمیم و «مرگ بر شاه» گفتیم. حق داشتیم، نداشتیم؟ آیا حق نداشتیم که رفاه و آسایش بخواهیم. آیا ما سزاوار این نبودیم که با ما مثل یک انسان رفتار شود. مگر ما لایق این نبودیم که از آزادی بی قید و شرط سیاسی برخوردار باشیم. آیا این جرم سنگینی است که کارگر خواست سرنوشت خود را بدست گیرد تشکل خویش را بزند و جامعه را بر اساس نیازهای بشری سازمان دهد نه سود سرمایه داران؟ این از سوی بخش مفتخور جامعه جرم وحشتناکی بود و برای همین یک ضد انقلاب بینهایت خشن و وحشی را به جان ما انداخت تا توانست آن انقلاب را سرکوب کند و سی سال جنایت بی وقفه را سازمان دهد که تاکنون به مرگ مستقیم بیش از صدها هزار انسان منجر شده است و به فلاکت میلیونی توده مردم کشیده شده است. یکی از ایده های که در کنار این جنایت سازمان یافته بخورد جامعه داده شده است این است که از ماست که بر ماست! از جمهوری اسلامی بگیر تا آن مفسر خارج از جمهوری اسلامی در این سی سال دم گرفته اند که تقصیر خود ما بود. که «جماعت ایرانی را

باید گرسنه نگه داشت و گر نه کار دست خودش میدهد که داده!» این ایده را آنها میگویند و بر آنها هیچ حرجی نیست. این را نگویند چه بگویند؟ نکنند انتظار این است مانند آن شاه خدایبامرز بیابند بگویند: «که من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم!» او خیلی دیر شنید تازه وقتی شنید به شرطی که مردم بروند خانه شان قول داد که بعداً به مسائل رسیدگی خواهد کرد! البته اینها نیز پیام انقلاب مردم ایران شنیدند و به فاجعه بارترین شکل ممکن به آن پاسخ دادند و انتقام آن شاه بلکه همه بورژوازی جهان را از مردم ایران گرفتند.

همانطور که گفتم ایشان غیر از این میکردند دیگر ضد انقلاب نبودند. اما دوستانی که خود را «ضد سرمایه داری» میدانند و آنقدر آتیش شان تند است که میفرمایند: «خواستار ممنوعیت تشکیل هر نوع دولت بالای سر خویش» هستیم! در یک بیانیه رسمی رسماً خطاب به ما کارگران (ایشان به غیر از کارگر با هیچکس دیگر کار ندارند!) عین همان ضد انقلابیون فرمودند تقصیر خود کارگر است که خیلی کارها را نکرد و شکست خورد. میگویند: آنها کار خودشان را کردند و خودشان را سازمان دادند اما «ما عقب نشستیم». نمیدانم اینها خود کجا عقب نشستند اما ما کارگران و مردمی که انقلاب کردیم و شاه و دربار و ساواک و خیل مفت خوران را به زیر کشیدیم به شهادت یک تاریخ خونین و پر از فاجعه خود عقب نشستیم بلکه در یک جنگ خونین که تا سال ۶۰ طول کشید عقب رانده شدیم. حتماً اگر عقل و تشکل و درایت و برنامه و حزب امروزمان را داشتیم قدرت عقب راندنمان را هم پیدا نمیکردند. اما این گناه ما نیست. اینهم نتیجه سرکوب و خفقان علیه کارگران و کمونیستها توسط دیکتاتوری آریامهری و تولید انبوه

مسجد و تکیه و آخوند و واعظ و خرافه توسط همین حکومت و همین طبقه حاکم بود نه گناه ما کارگران. این به اصطلاح دوستان میپرسند آیا باید انقلاب میکردیم؟ جوابشان مثبت است! بعد میپرسند آیا باید نیروی دیگری را جایگزین نیروی حاکم میکردیم. جوابشان منفی است! استدلال این است: «از کجا معلوم که آنان همین بلاها را بر سر ما نمی آوردند؟ حتماً می آوردند.» بر این اساس نتیجه میگیرند که باید متحدانه «شوراهای کارگری ضد سرمایه داری» را تشکیل میدادیم. سوال این است، مگر ندادیم؟ چرا آن کوششهای عظیم که انجام شد را ندیده میگیرند؟ برای اینکه بعد میخواهند ثابت کنند که «خودم کردم که لعنت بر خود باد!»

در بیانیه رسمی «کمیتة هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری» در که تاریخ ۲۴ بهمن ۸۷ صادر شده است، نصف بیانیه به این اختصاص یافته. «عقب نشستیم» و «فرو ماندیم» و بعد باید هایی که «نکردیم» ردیف شده است و آخر سر نتیجه این شده است که: «ما این کارها را نکردیم، شکست خوردیم و به روزگار سیاه کنونی فرو غلطیدیم. ایشان اگر یک دم در عمق بیانیه خود دقت میکردند یا امیداوریم اکنون بکنند این است با این استدلالهای ایشان همه آن کسانی که کشته شدند همه آن کسانی که خودکشی کردند، همه آن کسانی که در بدر شدند، همه آن کسانی که گوشه زندانها پوسیدند، همه بلایای دیگر که بر سر ما آمده تقصیر خود ما بوده.

دوستان عزیز! ما خیلی کارها را کردیم که اینگونه وحشیانه سرکوب شدیم. اولین و آخرین آن این بود که انقلاب کردیم که ظاهراً شما هم تایید میکنید. آیا سزای به خیابان آمدن این بود که بر سر ما آمد؟ در سال ۵۷ توده کارگر و زحمتکش در

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تجمع کارگران صنایع فلزی در برابر نهاد ریاست جمهوری



بدنبال تجمع اعتراضی کارگران صنایع فلزی در مقابل نهاد ریاست جمهوری در هشتم بهمن ماه، مسئولین این نهاد به کارگران اعلام کردند که وام پانصد میلیون تومانی که ماهها قبل و در نتیجه اعتراضات کارگران وعده داده شده بود، طی یک هفته در اختیار شرکت صنایع فلزی قرار خواهد گرفت تا از محل آن مطالبات معوقه کارگران این شرکت پرداخت شود.

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، با گذشت ۱۹ روز از این وعده توسط مسئولین نهاد ریاست جمهوری و عدم تحقق آن، روز ۲۶ بهمن، مدیر عامل شرکت صنایع فلزی به تعدادی از کارگران صنایع فلزی که جویای پرداخت دستمزدهای معوقه خود شده بودند، اظهار داشت: پولی در کار نیست، فکر کنید آخر اسفند ماه است و هر کاری دوست دارید انجام دهید.

بدنبال این اظهارات از سوی مدیر عامل شرکت، روز ۲۷ بهمن کارگران خشمگین صنایع فلزی متحدانه دست به اعتراض زده و از میدان پاسستور به طرف نهاد ریاست جمهوری راهپیمایی کردند و با تجمع در مقابل این نهاد خواهان پاسخگویی مسئولین نهاد ریاست جمهوری به خواستههای خود شدند.

با شروع این تجمع بلافاصله نیروهای انتظامی و امنیتی در محل مستقر شده و تلاش کردند کارگران را از مقابل نهاد ریاست جمهوری به عقب برانند اما کارگران مصممانه ایستادگی کرده و بر خواست خود پای فشردند.

در پی این وضعیت مسئولین نهاد ریاست جمهوری خواهان حضور نمایندگان کارگران در محل نهاد برای مذاکره شدند اما کارگران یکپارچه اعلام کردند ما مذاکره ای نداریم و تا رسیدگی به خواستههایمان نه با کسی مذاکره خواهیم کرد و نه به تجمع خود

پایان خواهیم داد.

مقاومت کارگران مبنی بر عدم حضور در محل نهاد و عدم مذاکره و تداوم تجمع آنان باعث شد ساعت ۱۱ صبح قرقی معاون رئیس جمهور به میان کارگران بیاید. وی پس از حضور در میان کارگران و مشاهده مقاومت آنان بر ادامه تجمع و اصرارشان به رد هر گونه مذاکره ای، از نمایندگان کارگران خواست به همراه ایشان به سرپرستی بانک تجارت مراجعه کنند تا وی در حضور نماینده های کارگران با بانک تجارت مسئله پرداخت وام را حل و فصل کند.

به این ترتیب نماینده های کارگران همراه قرقی عازم بانک شدند. با رفتن نمایندگان کارگران به بانک باقی آنان اعلام کردند که تا آوردن خبر صحت موضوع از سوی نمایندگانشان، به تجمع خود ادامه خواهند داد. تجمع مدتی ادامه یافت و در ادامه با اصرار نیروهای انتظامی و امنیتی مستقر در محل، کارگران خیابان را باز کرده و کمی دورتر از محل نهاد به تجمع خود ادامه دادند.

ساعت دو و نیم عصر بار دیگر کارگران به محل نهاد ریاست جمهوری نزدیک شدند تا کسب خبر کنند که با صف نیروهای انتظامی و امنیتی و دستوری مبنی بر عقب راندن کارگران از آنجا مواجه شدند. این مسئله باعث مقاومت شدید کارگران و پیش آمدن درگیری مختصری میان آنان و نیروهای انتظامی شد که با دخالت

“ماهواره امید” و عمق فاجعه ... از صفحه ۶

سیاست نمایندگی نشد. همه آنها که سنگ ما را به سینه میزدند ما را «رنجبر» میخواستند نه توده حاکم بر سرنوشت خویش. تازه ایشان هم مقصر نیستند؛ مقصر این فلاکت و جنایت سی ساله بورژوازی است و بس. مگر گذاشتند آب خوش از گلویمان پایین برود. در اولین قدم به جان زنان افتادند، دردومین قدم کردستان را به خون کشیدند. در قدم سوم بیکاران را در اصفهان به گلوله بستند، در ترکمن صحرا با ریختن خون مردمان شریفی شوراهایشان را بستند. بعد دانشگاهها را به ضرب گلوله بستند. در خیابانهای تمامی شهرهای ایران حزب الله با چماق به سراغ همه می آمد، مگر یادتان رفته؟ کتابفرشیها را به آتش میکشیدند، در خرداد سال 60 که همه تشکلات کارگری را به ضرب گلوله و زندان و اعدام نابود کردند چرا اینها را به حساب خود ما میگذارید؟ تشکل ضد سرمایه داری تان و منشور مطالباتی که نخواهد این واقعیت به این برجسته گی را ببیند و منکر شود و خود مردم را

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت کارگران

www.kagaran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

۸	ماهواره هات برد
۱۲۳۰۳	فرکانس
۲۷۵۰۰	سیمبل ریت
۳/۴	اف ای سی
(Vertical)	پلاریزاسیون عمودی
	سایت کانال جدید:

<http://www.newchannel.tv>

kanaljadid@yahoo.com

tv.anternasional@yahoo.com

آدرس تماس:

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!

تغییراتی را می بینم، اما کی و کجایش را نمی دانم

مصاحبه با کیم سایپس

مقدمه

کیم سایپس، Kim Scipes از مورخین سرشناس جنبش کارگری آمریکا است که ده ها کتاب و مقاله تحلیلی و تاریخی در این باره نوشته است. کیم اما تنها مورخ، آنچنانکه در غرب شناخته شده است، نیست؛ ایشان همچنین خیلی هم دخیل است و با فعالین کارگری بحثهای زیادی بر سر مسائل جنبش کارگری داشته است. وی برای نمونه از مخالفین سر سخت انشعاب در فدراسیون کار آمریکا بود و چندین مقاله در مخالفت با این مسئله به نگارش در آورد. ایشان همان زمان این انشعاب را، که در سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد، احقانه خواند. کیم در همین مصاحبه به این موضوع اشاره می کند.

با روی کار آمدن باراک اوباما، فعالین کارگری زیادی، این مسئله را به فال نیک گرفتند. کیم سایپس هم یک چنین موضعی را داشت. یکی از وعده های باراک اوباما این بود که مسئله متشکل شدن را، که در جریان ریاست جمهوری جورج بوش بسیار سخت شده بود، برای کارگران ساده کند. همچنین این فعالین انتظاراتی را که از انتخاب باراک اوباما در بین کارگران بالا رفته بود را به نفع جنبش کارگری می دانستند که خود می تواند مبنای اعتراضهای آینده باشد. بر مبنای همین نگرش بود که با ایشان وارد یک بحثی، البته شخصی، شدم و بعد از آن تصمیم گرفتم که چند سوال در باره وضعیت جنبش کارگری آمریکا را با ایشان در میان بگذارم تا خوانندگان کارگر کمونیست از زبان کسی که جنبش کارگری آمریکا را از نزدیک دنبال کرده است، چیزی شنیده باشند.

در کنار فعالیتهای متعددی که کیم در آن دخیل بوده، مبارزه برای اصلاحات در فدراسیون کار آمریکا و مبارزه بر علیه دخالت فدراسیون کار

آمریکا و شاخکهای آن در کشورهای دیگر، از فعالیتهای اصلی ایشان بوده است. وقت کیم سایپس بسیار تنگ است. کیم در کنار فعالیتهای سیاسی، در حال نوشتن کتاب دیگری است و همچنین در دانشگاهی در آمریکا مشغول تدریس است. به همین دلیل سئوالاتی را که با ایشان در میان گذاشتم، متأسفانه با تأخیر چند هفته ای جواب گرفتند. ناصر اصغری

ناصر اصغری: وضعیت جنبش متشکل کارگری آمریکا قبل از انشعاب "تغییر برای پیروزی (Change to Win)" چگونه بود؟ اکنون (بعد از انشعاب) چگونه است؟ آیا این انشعاب نتایجی را که بسیاری برای آن هورا می کشیدند، به دست داده است؟

کیم سایپس: وضعیت جنبش کارگری آمریکا قبل از انشعاب بسیار بد بود. حدود ۷.۸ درصد کارگران در بخش خصوصی در اتحادیه ها متشکل هستند؛ که این درصد حتی از سال ۱۹۳۰ هم کمتر است! (اگر بخش خدمات را هم به حساب بیاوریم، روی هم تنها ۱۲.۴ درصد کارگران متشکل هستند، که بسیار از درصد متشکل کارگران در کانادا و بسیاری از کشورهای اروپای غربی پایین تر است.

انشعاب قلابی بود. بر سر اختلافات اصولی نبود؛ بلکه عمدتاً بر سر اخلاقیات و خصوصیات شخصی بود و اینکه چه کسی رهبر بعدی فدراسیون کار آمریکا (AFL-CIO) را معرفی کند. انشعاب مشکلات اصلی جنبش کارگری آمریکا را در دستور قرار نداد. خوانندگان شما را به کتاب "همبستگی تقسیم شده (Solidarity Divided)" فرناندو گسپین، که تحلیلی بسیار



کیم سایپس

ارزنده داده است، مراجعه می دهم. همچنین می توانید به نقد من به این کتاب که در سایت zcommunications.org موجود می باشد، مراجعه کنید.

ناصر اصغری: به کسانی که می گویند جنبش کارگری در آمریکا، و به یک معنا در سطوحی در جهان، در حال عقب نشینی است، چه می گوئید؟ اگر با این موضوع موافقت، آیا نشانه هایی از بیرون آمدن از این عقب نشینی را می بینید؟

کیم سایپس: اینکه جنبش کارگری آمریکا عقب نشینی کرده است، غیرقابل انکار است. رهبران آن دید و نقشه ای ندارند. با فعالینی که می خواهند دید و نقشه ای را ارائه بدهند، در جنگند. اساساً جنبش کارگری آمریکا پشت سر امپراطوری آمریکا است؛ که هیچ چیز آن به این جنبش نمی رسد. تمام برنامه آنها این است که "اوباما و حزب دمکرات ما را نجات خواهند داد." بهیچ وجه چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد. (شاید مقاله ام تحت عنوان "اکنون وقت دینی عمیق و سبز برای آمریکا و جهان است (It's Time for a Deep Green Vision for the United States ... and the World)" در سایت zmag.org قابل دسترس است برای خوانندگان شما جالب باشد که در همین خصوص نوشته شده است.)

ناصر اصغری: فکر می کنید استقلال جنبش متشکل کارگری در آمریکا، با شرایطی که جورج بوش ضمیمه وام به شرکتهای ماشین سازی آمریکا کرده است، زیر سؤال می رود؟

کیم سایپس: مشکلات جنبش متشکل کارگری در آمریکا بسیار

فراخوان به دومین اعتراض وسیع در فرانسه

هشت اتحادیه بزرگ کارگری در فرانسه، پس از نشست سه ساعته در روز دوشنبه ۹ فوریه تصمیم گرفتند در تاریخ ۱۹ مارس دست به اعتراض وسیع دیگری بزنند که مرحله اول آن در ماه ژانویه به اجرا درآمد و حدود سه میلیون کارگر در آن شرکت داشتند. این تصمیم دقیقاً ۴ روز بعد از اینکه سارکوزی در تلویزیون Prim Time حضور یافت و از برنامه اصلاحات خودش دفاع کرد، گرفته می شود. قرار است روز ۱۸ فوریه بین نمایندگان دولت و اتحادیه های کارگری مذاکره صورت بگیرد. اتحادیه های کارگری گفته اند شکل اعتراض در روز ۱۹ مارس بستگی به نتیجه مذاکراتشان با دولت دارد. کارگران دولت را مسئول زندگی مشقت بار خود می دانند در حالیکه میلیاردها یورو صرف تأمین ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی می شود.



تصویری از وضعیت کنونی جنبش کارگری در آمریکا گرفته باشید. فعالین کارگری ای هستند که تلاش می کنند این موقعیت را برای بهتر شدن تغییر دهند، اما ما هم ضعیفیم و هم قادر نبوده ایم حمایت توده کارگران را به دست بیاوریم. نهایتاً این وضعیت تغییر خواهد کرد. مردم واقعا در این کشور با مشکلات عدیده ای روبرویند. میلیونها نفر بیکار شده اند؛ و این وضعیت بدتر هم می شود. بسیاری از مردم از طریق بیمه های مشاغلشان به بیمه درمانی دسترسی دارند و وقتی که شغلشان را از دست بدهند، بیمه درمانیشان را نیز از دست می دهند. می دانم که موقعیت ما با کارگران ایران بسیار متفاوت است؛ اما برای ما، مسائل خیلی بدند و کسی هم در واقع راه حلی ندارد. اتفاقی خواهد افتاد؛ این پیشگویی من است، اما نمی دانم کجا و کی، منتها وقتی که این اتفاق افتاد، جالب خواهد بود.

امیدوارم که ایده ای گرفته باشید که در اینجا چه می گذرد.

فراز و عمیقتر از این چیزهاست. اتحادیه ماشین سازی آمریکا با این مسئله ضربه خورد. اما این اتحادیه مدت زمان طولانی ای است که دارد به خودش ضربه می زند. متأسفانه نمی توانم جوابهای ساده ای برای وضعیتی که جنبش کارگری متشکل آمریکا در آن است را به دست بدهم. این جنبش در مقیاس وسیعتری در جامعه آمریکا، یا مشروعبیتی ندارد، و یا هم اگر دارد بسیار ناچیز است. نقشه و دیدی هم برای برون رفت از این موقعیت ندارد. درباره بزرگترین بحران اقتصادی از دهه ۱۹۳۰ تا کنون، جنبش کارگری متشکل آمریکا، تقریباً هیچ نگفته است.

به نظر من، مسئله اساسی امپراطوری آمریکا است و رهبران کارگری می خواهند این مسئله را محافظت کرده و نگه دارند. بحث من این است که اینها می توانند یا از امپراطوری آمریکا دفاع کنند، و یا می توانند به مردم کارگر کمک کنند؛ اما نمی توانند هر دو را در یک زمان به پیش ببرند. و بدون مردم کارگر، دلیل وجودی خویش را از دست می دهند....

بهر حال امیدوارم که با این جوابها

اخبار اعتراضات و مبارزات کارگری در ایران

تنظیم محمد شکوهی

کارگران لوله سازی خوزستان برای دستمزدهای خود دست به راهپیمایی زدند

روز یکشنبه ۲۰ بهمن تعدادی از کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل کارخانه جمع شدند و به مدت دو ساعت جاده را بستند. اما کسی جوابگو نبود و کارگران روز دوشنبه ۲۱ بهمن به مقابل استانداری اهواز رفتند و دست به تجمع زدند و سپس در خیابان اصلی شهر راهپیمایی کردند. در این تجمع اعتراضی، کارگران که حدود ۲۰۰ نفر میشدند شعار میدادند "مرگ بر این زندگی اینهمه شرمندگی"، "۴ ماه دستمزد ما پرداخت باید گردد". کارگران سپس قرار گذاشتند که روز ۲۳ بهمن در مقابل ساختمان ۱۰۰۱ که محل دفتر مالک این کارخانه است تجمع کنند. نیروی انتظامی در محل حاضر بود ولی مداخله ای نکرد. این کارخانه ۷۵۰ کارگر دارد و مدیریت در شهریورماه امسال به همه کارگران ۱۵ روز مرخصی اجباری داده بود که بعد از بازگشت کارگران ۱۵ روز دیگر به تعطیلی کارخانه ادامه داد. کارخانه به حال تعطیل درآمد و خطر اخراج کارگران را تهدید میکند. به کارگران باز هم وعده داده شده که قرار است ۱۰ میلیارد وام به شرکت پرداخت شود تا کارخانه راه اندازی شود

اخراج در کارخانه کشتی سازی شماره ۲ اروندجان

بنابر اخبار و گزارشات منتشر شده در رسانه ها، کارخانه کشتی سازی شماره ۲ اروندجان از ۲۴ دی ماه تعطیل شده و بیش از ۴۰ نفر از کارگران اخراج شده اند. بخشی از کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفته و بقیه بلا تکلیف می باشند

کارخانه کیمیکال ساری

اواسط بهمن ماه کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق دست از کار کشیدند.

کارفرمای این شرکت دست آخر در اثر اصرار و یافشاری کارگران ناچار به مذاکره با کارگران شد. در جریان مذاکرات کارفرما قول داد که تا یک هفته بعد همه دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت خواهد کرد. روز ۲۶ بهمن ماه کارگران موفق شدند بخشی از دستمزدهای معوقه هود را دریافت نمایند.

کارگران چرم اعظم سه ماه بدون حقوق

کارگران چرم اعظم بیش از ۳ ماه است که دستمزدهایشان را دریافت نکرده اند. کارفرما در پاسخ به درخواست های کارگران برای دریافت دستمزدهای معوقه اعلام کرده است که به دلیل "کمبود نقدینگی و عدم فروش محصولات" قادر به پرداخت دستمزدهای کارگران نمی باشد. کارگران نسبت به این سیاست کارفرما معترض می باشند. گزارشها حاکی است که احتمال تعطیلی این کارخانه و بیکار شدن بیش از ۶۰ نفر از کارگران جدی می باشد.

کارگران شهرداری اندیمشک ۹ است حقوق نگرفته اند

تعداد ۱۲۰ نفر از کارگران شهرداری اندیمشک بیش از ۹ ماه می باشد که دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران می گویند به دلیل ترس از اخراج و بیکارسازی مجبورند دست به اعتراض زنند. با مراجعات مکرر کارگران به مسئولین دولتی، شهرداری اندیمشک به کارگران قول داده است تا اواخر اسفند بخشی از دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت خواهد کرد.

تجمع در صنایع چوب طالقانی اسلامشهر

جمعی از کارگران صنایع چوب طالقانی اسلام شهر روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۱۸ ماه حقوق و بلا تکلیفی در برابر ساختمان وزارت کار دست به تجمع زدند. کارگران می

گویند بیش از یک سال و نیم هست که وضعیت واحد تولید نامعلوم بوده و کارفرمایش فراری می باشد. حدود سه سال پیش کارفرمای این واحدی تولید عوض شده و کارفرمای جدید اعلام کرده بود که بعد از پرداخت طلبهای کارگران، این کارگران اخراج خواهند شد. در همین راستا ۵۰ درصد طلب های کارگران به صورت نقد پرداخت شد و ۵۰ درصد دیگر را به کارگران چک دادند. علاوه بر این کارگران به دلیل سه سال بلا تکلیفی مشکل بیمه دارند. کارگران این واحدی تولیدی در اعتراض به عدم پاسخگویی کارفرما در ماههای گذشته اعتراضاتی را سازمان داده بودند. یکی از کارگران در باره ادامه اعتراضاتشان به خبرگزاری ایسنا می گوید: مدتی قبل نیز بعد از اینکه یک شب کارفرما را به زور در واحد نگه داشته بودیم که پول مان را پرداخت کند، فرماندار و استاندار نیز به واحدمان آمدند و سرانجام مبلغی را از کارفرما دریافت کردیم اما بعد از آن دیگر او متواری شد.

لازم به توضیح است که کارگران صنایع چوب طالقان در ماههای گذشته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و بلا تکلیفی دویار به همراه خانواده هایشان به تهران آمده و اعتراض کردند. علاوه بر این، یک بار مقابل نهاد ریاست جمهوری، سه بار مقابل فرمانداری اسلامشهر و یک بار دیگر مقابل ساختمان وزارت کار تجمع کردند، که تا کنون پاسخی نگرفته اند.

تجمع سرب و روی زنجان

روز شنبه ۱۹ بهمن ماه کارگران کارخانه سرب و روی زنجان در اعتراض به اخراج و بیکارسازی و عدم پرداخت دستمزدهایشان در مقابل دفتر شرکت توسعه معادن روی در زنجان دست به تجمع زدند. کارگران خواهان حضور مدیر عامل شرکت سرب و روی در تجمع خود و پاسخگویی به مطالباتشان شدند. در ادامه تجمع کارگران مدیرعامل شرکت توسعه معادن روی ایران که

صفحه ۱۰

کارگران آفریقای جنوبی از تخلیه محمولات کشتی اسرائیلی خودداری کردند

ها و بیمارستانها و دانشگاهها و امکان منهدمی و بیکاربردن موادشیمیایی صورت گرفته بود.

در ادامه این اقدام، COSATU اقدام به کمپین حمایتی ای یک هفته ای از مردم فلسطین کرده است که با حمایت وسیعی از طرف اتحادیه ای کارگران و مردم آرایخواه دنیا منجمله از طرف کارگران بارانداز لیورپول و اتحادیه های کارگری در استرالیا و کانادا همراه شده است. آقای وای دبیرکنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی در یک سخنرانی خطاب به تظاهرکنندگان در کیپ تاون میگوید: "کارگران جهان در دهه های ۷۰ و ۸۰ متحد شدند تا رژیم آپارتاید جنوبی را ازبومله کنند. اکنون ما کارگران در اقصا نقاط دنیا احتیاج داریم تا دستهایمان را بسوی همدیگر دراز کنیم و دولت نژاد پرست اسرائیل را منزوی کرده و فلسطین را آزاد نماییم." این در حالی است که که فدراسیون اتحادیه های کارگری اسرائیل Histadrut و چندین سازمان طرفدار دولت اسرائیل از عملیات وحشیانه دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین حمایت کرده و علیه این کمپین سم پاشی می کنند. داود رفاهی

اعتصاب یکروزه کارگران راه آهن در اسرائیل

روز پنجم فوریه ۲۰۰۹ کارگران راه آهن اسرائیل دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. اعتصابی که تقریباً تمام سیستم ترافیک راه آهن کشور را مختل کرد. این اعتصاب توسط یک اتحادیه غیر رسمی کارگران اسرائیل صورت گرفت. اعتصاب در حقیقت بخاطر اخراج چندین نفر از کارگران راه آهن و جایگزینی آنها با عوامل مدیریت که هم چون خود مدیریت سابقه نظامی دارند صورت گرفت. اعتصاب مدیریت و اتحادیه رسمی اسرائیل—Histadrut—راغافلگیر کرده و باعث خشم آنها شد. رییس هیستادروت آقای Ofer Einy (رفاهی)

کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی COSATU و کمیته اتحاد با فلسطین PSC در یک اطلاعیه مطبوعاتی در تاریخ ششم فوریه سال ۲۰۰۹ خبر از یک اقدام متحدانه کارگران علیه دولت اسرائیل دادند. بنا به این خبر کارگران عضو اتحادیه SATAWU در شب گذشته از تخلیه کالاهای یک کشتی اسرائیلی بنام Johanna Russ در پورتر Durban خودداری کردند. کشتی مزبور قرار بود در هشتم فوریه وارد ساحل شود. ولی کمپانی مزبور که از تصمیم کارگران با خبر شده بود در یک نقشه حساب شده ورود کشتی را بجلو انداخت. کارگران که همه چیز را زیر نظر داشتند از این نقشه باخبر شده و کماکان از تخلیه کشتی که قبل از موعد مقرر در ساحل لنگر انداخته بود امتناع کردند و در حالیکه مواظب بودند که مدیریت از کارگران اعتصاب شکن برای تخلیه کالاها استفاده نکند. کشتی مزبور بعد از چند ساعت پهلو گرفتن از ساحل دور شد. این ابتکار عمل کارگران آفریقای جنوبی در اصل در جواب به حمله وحشیانه دولت اسرائیل به غزه؛ لغو آشکار و بیحاشیه اسرائیل به قوانین بین المللی؛ بمباران کردن مناطق مسکونی؛ حمله به مدارس و آمبولانس

اخبار اعتراضات کارگری ...

از صفحه ۹

اخراج در شرکت نار ایران ساوه

کارقرمای شرکت نار ایران- ساوه روز چهارشنبه ۱۶ بهمن ماه ۵۵ کارگر رسمی این شرکت را به بهانه "عدم فروش محصولات کارخانه" از کار بیکار کرد. کارگران در اعتراض به کارفرما به اداره کار شکایت کرده و خواهان پاسخگویی کارفرما شده اند. تا رسیدن این خبر کارفرما و اداره کار جوابی به کارگران نداده است. شرکت نار ایران- ساوه بیش از بیست سال است که در صنعت تولید آب میوه فعالیت می کند. بر اساس آخرین اخبار این شرکت از سه هفته پیش تعطیل شده است.

تجمع بیش از ۲۰۰ کارگر کارخانه نساجی مازندران

بیش از ۲۰۰ کارگر نساجی مازندران روز سه شنبه ۱۳ بهمن ماه در اعتراض به اخراج تعداد زیادی از کارگران و عدم پرداخت حقوق های معوقه شان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران در ادامه اعتراضاتشان بر علیه سیاستهای ضد کارگری کارفرما در عدم پرداخت دستمزدها بر علیه اخراج ها دست به راهپیمایی زده و به سمت اداره کار استان حرکت کردند. کارگران کارخانه نساجی مازندران خواهان توقف اخراج ها و پرداخت دستمزدهایشان هستند.

کارگران کرم کیمیکال ساری دست از کار کشیدند

کارگران کرم کیمیکال ساری روز چهارشنبه ۱۶ بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه از حقوق، پاداش، عیدی و بن کارگری دست از کار کشیدند. کارگران این واحد تا کنون بارها به سیاست ضد انسانی عدم پرداخت دستمزدها از طرف کارفرما اعتراض کرده اند. در ماههای اخیر به دلیل بحرانی شدن این واحد تولیدی و اعتراض کارگران، شورای تامین استان مازندران کارفرما را موظف به پرداخت حقوق های معوقه

به صورت تلفنی با کارگران صحبت می کرد، اعلام کرد که روز یکشنبه جلسه ای با شرکت مسئولان استان زنجان در محل اداره کار برای رسیدگی به امور کارگران اخراجی تشکیل خواهد شد.

در جریان مذاکراتی که بین مدیریت و مسئولان کارخانه و نمایندگان کارگران صورت گرفت، مدیر عامل شرکت توسعه معادن روی ایران اعلام کرد که این مشکلات بدلیل بحران جهانی و کاهش فروش تولیدات پیش آمده است و وعده پرداخت حقوق های معوقه کارگران را داد. در این مذاکرات نمایندگان کارگران با اعلام ساختگی بودن ادعاهای مدیریت کارخانه، اعلام کردند که با توجه به تولید ماهانه بیش از ۱۵۰۰ تن روی و فروش خوبی که داشته است، ادعای بدهی ۲۶ میلیارد تومانی واقعی نیست و مدیریت باید به خواستها و طالبات کارگران پاسخ روشن بدهد. بدهی کارفرما ربطی به کارگران ندارد. کارگران باید در برابر کاری که انجام داده اند دستمزدشان را دریافت کنند. کارگران خواهان نقد کردن دستمزدها و رسیدگی به مشکلات همکاران اخراجی خود و تامین امنیت شغلی می باشند.

مجتمع کشت و صنعت شمار (روغن غنچه) تعطیل شد! ۱۲۰۰ کارگر بیکار شدند

مجتمع کشت و صنعت شمال با ۱۲۰۰ کارگر تعطیل شد. صاحبان این کارخانه و اداره کار مدتی پیش اعلام کردند که به دلیل خسارات وارد به این شرکت در اثر وقوع توفان امسال قدرت و توانایی کار و فعالیت را ندارد و با این بهانه روز ۱۸ بهمن ماه اعلام کرد که مجتمع رسماً تعطیل است. با تعطیلی این مجتمع ۱۲۰۰ کارگر بیکار شدند.

کرده بود، اما کماکان طلب های کارگران پرداخت نشد. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و سایر مطالباتشان می باشند.

اخراجها در شهر صنعتی ساوه

بر اساس اخبار و گزارشات منتشره در رسانه ها و خبر اتحادیه آزاد کارگران، در شهرک صنعتی ساوه بیکارسازی های گسترده کماکان ادامه دارد و تا کنون صدها کارگر اخراج شده اند. از جمله در شرکت های: بوتان ۱۵۰ نفر بهینه تکنیک ۵۰ نفر، پاک وش ۱۰۰، شرکت ایمن ساز ۵۰ نفر اخراج شده اند. از اوایل سال جاری تاکنون بیش از ۱۰۰۰ کارگر در مراکز صنعتی شرکت های ساوه بیش از ۱۵۰۰ نفر در شهر صنعتی قزوین اخراج شده اند. کارفرمایان و صاحبان کارخانه شمشیر اخراج بیکارسازی را بر بالای سر کارگران گرفته اند. باید متحدهاند در برابر این بیکارسازنها دست به اعتراض و مبارزه زد.

کارخانه آزمایش مرودشت

بنابر اخبار کارفرما کارخانه آزمایش مرودشت روز دوشنبه اعلام کرد که قراردادهای کاری ۱۰۰ تن از کارگران را بر اساس سیاست "جدید کارفرما" تمدید نکرده و این کارگران اخراج می شوند. این اخراج ها در شرایطی صورت می گیرد که کارگران این کارخانه هنوز حقوق های آذر و دی ماه را دریافت نکرده اند. لازم به توضیح است که کارفرما ۴ ماه حق بیمه کارگران را نیز پرداخت نکرده است. کارخانه آزمایش مرودشت بیش از ۱۵۰۰ کارگر دارد و تولید کننده یخچال خانگی می باشد.

جانباختن ۴۰ کارگر در قائمشهر

اوایل بهمن ماه سال جاری انجمن صنفی اسکلت بتنی قائمشهر اعلام کرد که در سال جاری ۴۰ نفر از کارگران در این شهر حین کار جان خود را از دست داده اند. نبود شرایط سخت و پر خطر کار، نبود امکانات و وسایل

ایمنی کار، مهمتر از همه بی توجهی کارفرمایان و دولت به شرایط سخت و طاقت فرسا و پر خطر کارگران در این بخش، از عوامل مهم قربانی شدن کارگران در چنین محیط های کاری می باشد. در این میان کارفرمایان و صاحبان شرکتها نه تنها کوچکترین اهمیتی به تامین وسایل و امکانات ایمنی کاری نمی دهند، بلکه دشمنان در تحمیل شرایط بی نهایت خطرناک و ضد انسانی به کارگران باز می باشد. جانباختن این کارگران را به خانواده ها و بازماندگان این عزیزان تسلیت میگویم. مسئولین کشتار و قتل کارگران دولت و کارفرمایان هستند. باید مسببین این بی توجهی و بی مسئولیتی که موجب جانباختن ۴۰ نفر از کارگران شده است مورد پیگیری قرار گیرند. باید این موضوع وسیعاً مورد اعتراض کارگران قرار گیرد. باید خانواده این عزیزان زیر پوشش تامین اجتماعی قرار گیرند و در حد یک زندگی انسانی به آنها مقرری ماهانه تعلق گیرد. باید متحدهاند در برابر این کشتارهای کارگران که هر روز در گوشه و کنار کشور به وقوع می پیوندد، اعتراض کرد.

کارگران شرکت گردآفرین دست به اعتصاب زدند

بر اساس خبر از اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران شرکت گرد آفرین روز سه شنبه ۸ بهمن ماه در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه از دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند.

این کارخانه بیش از ۴۰۰ نفر کارگر دارد و در شهر صنعتی نصیر آباد در رباط کریم واقع است. اکثر کارگران این شرکت زن هستند و شرکت مذکور بیش از ۱۵ شعبه فروشگاهی در سطح تهران دارد. کارفرمای این شرکت از اول امسال تاکنون دستمزدهای این کارگران را با تاخیرهای چندین ماهه و هربار با دادن مبلغ ۵۰ یا صد هزار تومان پرداخت کرده است. اعتصاب کارگران شرکت گرد

آفرین از شیفت شب این کارگران روز دوشنبه ۸ بهمن ماه شروع شد و شیفت روز کارگران این کارخانه نیز روز سه شنبه به اعتصاب پیوستند. با ادامه و گسترش این اعتصاب، کارفرما به سرویهای ایاب و ذهاب کارگران دستور داد از آوردن کارگران شیفت شب

به کارخانه امتناع کند، با اینحال کارگران شیفت شب موفق شدند با استفاده از همین سرویس ها به کارخانه بیاورند. پس از حضور کارگران شیفت شب کارفرما از کارگران خواست تا نماینده های خود را جهت مذاکره به دفتر مدیریت بفرستند. طی مذاکره نماینده های کارگران با مدیریت، مدیر کارخانه با نشان دادن چکهایی که وصل نشده اند، اعلام کرد فعلاً پولی در کار نیست و از کارگران خواست تا همچون ۱۰ ماه گذشته با وضعیت موجود کارخانه و عدم پرداخت دستمزدهایشان بسازند. اما نماینده ها آنرا قبول نکردند و مدیر کارخانه ناچار شد به میان کارگران بیاید. وی به کارگران اظهار داشت اگر به اعتصاب ادامه دهند در کارخانه را خواهد بست. اما وقتی با اعتراض کارگران روبرو شد وعده داد با افزایش فروش در اسفند ماه، دستمزدهای کارگران را پرداخت خواهد کرد. پس از وعده های مدیر کارخانه کارگران با امید به دریافت دستمزدهای معوقه شان در اسفند ماه به اعتصاب خود پایان داد و بر سر کارهایشان بازگشتند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در مقابل مجلس

روز ۲۸ بهمن ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به عدم افزایش حقوق خود، مقابل مجلس تجمع کردند. آنها خواستار همسان سازی حقوق کارگران بازنشسته تامین اجتماعی مانند کارگران و بازنشستگان کشوری و لشکری شدند. تجمع کنندگان که



کارگران و رضا شهابی با اظهار اینکه مواد اولیه در کارخانه به اندازه کافی وجود دارد ضمن تاکید بر خواست پرداخت فوری مطالبات معوقه و دستمزدهای ایام تعلیق کارگران، پیشنهاد کارفرما مبنی بر دریافت دو ماه سنوات را نپذیرفته و خواهان ادامه کار کارگران در نساجی خامنه شدند.

در پایان این جلسه، رئیس جلسه اظهار داشت هیئت حل اختلاف یک هفته دیگر رای خود را صادر خواهد کرد. اما پس از اعتراض نماینده های کارگران، وی ضمن اظهار اینکه رای به نفع کارگران است قول داد تا روز شنبه مورخه بهمن رای صادر شود. با پایان این جلسه نماینده های کارگران به جمع همکاران خود در سالن آصفی تئاتر اداره کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی پیوستند و پس از ارائه گزارش جلسه از سوی آنان به کارگران، ساعت ۶ بعد از ظهر کارگران نساجی خامنه به تجمع خود پایان داده و به شهر خود بازگشتند. کارگران نساجی خامنه اعلام کرده اند با توجه به نزدیکی پایان سال، قادر به صبر کردن برای گذراندن مراحل اداری جهت اجرای رای احتمالی هیئت حل اختلاف اداره کار نیستند و چنانچه تدبیری فوری از سوی مسئولین استان آذربایجان شرقی برای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران اندیشیده نشود آنان طی روزهای آتی باز هم اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی خواهند کرد

های آنان مبنی بر رسیدگی به خواسته های کارگران، آنان به تجمع خود پایان ندادند اما بدلیل سردی هوا و پس از حدود نیم ساعت از شروع جلسه هیئت حل اختلاف، کارگران نساجی خامنه از مقابل اداره به سالن آصفی تئاتر آمدند و تا پایان جلسه و گزارش نتیجه آن از سوی نمایندگانشان محل را ترک نکردند. کارگران در این تجمع پلاکاردهایی را رو به خیابان در دست داشتند که بر روی برخی از این پلاکاردها کارگران نوشته بودند:

ما کارگران نساجی خامنه ۱۹ ماه حقوق نگرفته ایم، گرسنه ایم، چه کسی پاسخگوی فقر و نداری ما در آستانه سال نو است - کارگران نساجی خامنه نان خالی را با حساب دقتی می گیرند و...

از سوی دیگر یک ساعت پس از گذشت شروع تجمع کارگران، جلسه هیئت حل اداره کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی که بدنبال اعتراض کارفرمای نساجی خامنه به رای هیئت تشخیص اداره کار شبستر تشکیل شده بود با شرکت شش نفر از نمایندگان کارگران و رضا شهابی به عنوان مطلع منتخب از سوی کارگران از ساعت ۱۷ آغاز بکار کرد. در این جلسه که حدود یک ساعت طول کشید نماینده کارفرما با اظهار اینکه کارفرما امنیت جانی ندارد و بدلیل عدم توانایی مالی نمیتواند کارخانه را دایر نگهدارد خواهان اخراج کارگران با دریافت دو ماه سنوات به ازای هر سال سابقه کار شد. اما نماینده های

وسعی که در کاخانه چینی کرد صورت گرفته بود، روز ۲۶ بهمن کارفرمای کارخانه چینی کرد ده نفر دیگر از کارگران این کارخانه را اخراج کرد. بدین ترتیب تعداد کارگران اخراجی کارخانه چینی کرد و کاشی کرد که هر دو متعلق به یک کارفرما است طی دو هفته گذشته به حدود ۲۰۰ نفر رسید. از این تعداد بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی کرد هستند که در مجاورت کارخانه چینی کرد قرار دارد. بنا بر اظهار کارگران این کارخانه ها، کارفرما اعلام کرده است روند اخراج کارگران تا آخرین نفر آنها و در طول دو ماه آینده همچنان ادامه خواهد داشت. لازم به یاد آوری است پس از اخراج حدود دویست نفر از کارگران دو کارخانه چینی کرد و کاشی کرد هم اکنون ۲۳۰ نفر از کارگران کارخانه چینی کرد و ۲۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی کرد بر سر کارهایشان باقی مانده اند. بنا بر این گزارش کارفرمای این دو کارخانه تا کنون به بهانه باز گرداندن کارگران اخراجی بر سر کارهایشان با هیچیک از کارگران اخراجی تصفیه حساب نکرده است و تلاش دارد از طریق دادن وعده و وعید میان کارگران تفرقه ایجاد کرده و مانع اعتراضات متحدانه آنان شود.

تجمع کارگران نساجی خامنه در مقابل اداره کار استان آذربایجان شرقی

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز ۲۱ بهمن یک ساعت قبل از شروع جلسه هیئت حل اختلاف در اداره کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی که برای رسیدگی به مسئله کارگران نساجی خامنه تشکیل شده بود حدود ۱۰۰ نفر از این کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل این اداره در شهر تبریز کردند. بنا بر این گزارش با شروع جلسه هیئت حل اختلاف و علیرغم درخواست مکرر نیروهای انتظامی و مسئولین اداره کار و وعده

اخبار اعتراضات کارگری ... از صفحه ۱۰

برده رفتار می شود. هر گونه آزادی سرکوب می شود هرگونه اعتصاب ممنوع است. حراست شرکت را یک پادگان کرده است میلیاردها تومان خرج می کنند تا پیشرفته ترین دستگاهها را برای کنترل ما کارگران خریداری کنند ولی در عوض حقوق ناچیز ما را ماهها نمی پردازند. از ایجاد هرگونه تشکل جلوگیری می شود جای معترضین اخراج و زندانها است. شرکت تصمیم گرفته است کارگران روزمزدی را به مراسم راه ندهد چون می ترسند به وزیر اعتراض کنند. ولی ما به مراسم می رویم و از وزیر کار با چند سوال استقبال خواهیم کرد: چرا قرار دادیهای موقت لغو نمی شود چرا شرکتهای پیمانکاری همچنان به کار خود ادامه می دهند چرا از ایجاد هرگونه تشکل جلوگیری می شود چرا امنیت شغلی وجود ندارد و هر روز دهها نفر از ما کارگران اخراج می شود. آیا وزیر کار می تواند با این حقوقها فقط یکروز زندگی کند. اگر جهرمی به این سوالها جواب نداشت. جواب ما لنگه کفش به سوی جهرمی خواهد بود وعده ما سالن مراسم - ۱۳ بهمن . جمعی از کارگران ایرانخودرو

پلاکاردها و پارچمنوشتههای مختلفی در دست داشتند، همچنین خواستار اجرای سریع طرح افزایش حقوق بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی شدند. تجمع کنندگان پلاکاردها و پارچمنوشتههایی همچون "دولت عدالت محور و عدالت گستر، تبعیض چرا". "مجلس واحد، دولت واحد، دوگانگی در افزایش حقوق برای قشری واحد چرا؟" و "بازار کار به نفع مطلوبی ایجاد نشود، هیچ امنیتی در کشور وجود نخواهد داشت" با خود حمل میکردند.

متن اطلاعیه کارگران ایران خودرو ۱۳ بهمن صادر شده بود

کارگران ایران خودرو اعلام کردند با لنگه کفش از وزیر کار استقبال خواهند کرد

دوستان و همکاران گرامی بنا بر اخبار رسیده حاکی از بازدید وزیر کار از شرکت ایرانخودرو می باشد. ما کارگران که امروز در سختترین شرایط زندگی می کنیم فرزندان انقلاب ۵۷ هستیم پدران ما به امید آزادی و رهایی خود و فرزندان خود و برای ساختن یک دنیای بهتر و برای نابودی رژیم ستم شاهی قیام کردند آنها به این امید قیام کردند که از دست سرمایه داری و چپاول غارت رهایی پیدا کنند آنها هرگز تصور نمی کردند که فرزندان آنها یعنی ما کارگران امروز به جای آنها با شرایط هزار بار سختتر از آنها کار کنیم و تحت حاکمیت سرمایه داران به تازه دوران رسیده مزدوری کنیم آنها هرگز تصور نمی کردند که فرزندان آنها به این روز بیفتند آنها برای ساختن یک دنیای بهتر قیام کرده بودند.

انقلاب ۵۷ که امروز وارثان آن ما هستیم توسط جهرمی ها و امثال او امروز برای ما یک دنیای بی امید و تاریک ساخته است. تمام ما کارگران قراردادی و روزمزدی هستیم. ماهها حقوق دریافت نمی کنیم با ما مثل یک

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

در حاشیه مسائل و مبارزات کارگری

شهلا دانشفر

یک تجربه آموزنده از کارگران کیان تابر

یک موضوع کشمکش کارگران لاستیک البرز مبارزه کارگران برای انحلال شوراهای اسلامی در این کارخانه است. کارگران کیان تابر طی ۶ ماه اعتراضات خود توانستند مجمع عمومی کارگری را به ظرف اتحاد خود تبدیل کنند. نمایندگان منتخب خود را برای پیگیری خواستها و مطالباتشان و طرف مذاکره و گفتگو با مقامات دولت برگزینند و اکنون خواهان تخلیه اطاق شورای اسلامی و تحویل آن به نمایندگان منتخب خود هستند. با این اقدام مهم کارگران کیان تابر عملاً دست شوراهای اسلامی را از مبارزات خود کوتاه کرده و خواهان رسمیت یافتن نمایندگان منتخب خود بعنوان سخنگوی کارگران هستند. این تلاش کارگران کیان تابر بیانگر هوشیاری و آگاهی آنها از نقش ضد کارگری این پادوهای جمهوری اسلامی در کارخانجات است. این مبارزه یک دستاورد مهم در جنبش کارگری و قدمی عملی در ایجاد شوراهای واقعی کارگری است. یعنی تحمیل نمایندگان منتخب مجمع عمومی کارگری بعنوان مرجع تصمیم گیرنده و اعمال اراده خود کارگران برای پیشبرد مبارزاتشان. جنبش انحلال شوراهای اسلامی و خانه کارگریهای حکومت باید در هرجا که این دستگاههای منفور جاسوسی و توطئه گری حکومت حضور دارند برپا شود. باید از این تجربه ارزنده درس گرفت. کارگران کیان تابر با این حرکت مهم خود در برابر کل جنبش کارگری الگویی خوب و عملی از تحمیل مجمع عمومی کارگری و نمایندگان منتخب آن و تشکیل شوراهای واقعی کارگری بدست دادند. بدون شك اگر در

سراسر ایران و در تمامی مراکز کارگری این گام مهم برداشته شود جنبش کارگری در موقعیت بسیار قدرتمندی قرار خواهد گرفت. به راه انداختن یک جنبش سراسری برای برپایی مجامع عمومی کارگری و تحمیل تشکیل آن بطور منظم به دولت و کارفرما، انتخاب نمایندگان واقعی کارگران در این مجامع به عنوان مراجع معتبر و نمایندگان اراده مستقیم کارگران که سخنگوی اعتراض و خواست کارگران باشند، همگی گامهای عملی تشکیل یابی توده ای کارگری و کوتاه کردن دست شوراهای اسلامی، این ارگانهای جاسوسی و سرکوب کارگران از کارخانجات است. گامهایی که کارگران کیان تابر پیش از آن بوده و باید به الگویی در تمامی مراکز کارگری تبدیل شود. پیش بسوی برپایی شوراهای واقعی کارگری

سال ۸۸ سال اعتصابات کارگری

اعتراف دست اندرکاران حکومت

نگاهی به سایتهای خبری جمهوری اسلامی و اظهارات مقامات جمهوری اسلامی و هشدارها و هراسهایشان از اوج گیری اعتراضات کارگری، به روشنی موقعیت امروز جنبش کارگری و جنبش اعتراضی برای سرنگونی این رژیم جنایتکار را در مقابل ما میگذارد. در سایت آینده که وابسته به قالیباف و ایادی اش است در مطلبی تحت عنوان "هشدار در باره سوءاستفاده گروههای معاند نظام از نارضایتیهای کارگری" ضمن اشاره به افزایش کارخانه هایی که از "عهده پرداخت حقوق کارگران بر نمی آیند" میگوید: "بعضا کارگران به دلیل شرایط بد اقتصادی نارضایتی هایی را ابراز می کنند و مینویسد: "در این وضعیت گروه های معاند

نظام و ضد انقلاب با بهره گیری از این اعتراضات، آنها را به خود منتسب کرده و سعی در بحرانی جلوه دادن شرایط کنونی دارند و ادامه میدهد: "از ابتدای امسال تا کنون اعتراضات کارگری در کشور رشد قابل توجهی داشته است. این اعتراضات بیشتر توسط کارگرانی انجام می شود که با افزایش تورم، عدم توانایی صاحبان کارخانه ها برای پرداخت حقوقشان و... به مشکل برخورد کرده اند". و سپس هشدار میدهد: "این در حالی است که این اعتراضات در صورت ادامه و بی تفاوتی دولت می تواند به اعتصابات کارگری تبدیل شود. گروه های چپ گرای خارج از کشور نیز از این آب گل آلود ماهیگیری می کنند و این اعتراضات را به عنوان اعتصابات کارگری سازماندهی شده و منتسب به خودشان معرفی می کنند و با ارسال ایمیل های تبلیغاتی حاوی خبرنامه ها و اعلامیه هایی علیه نظام، دانشجویان را ترغیب به تکتبیر و توزیع آنها می کنند. گفتنی است، در چنین شرایطی دولت به خاطر مسائل امنیتی هم که شده می تواند با کمک هایی کارگران معترض را راضی کند و مانع بهره برداری های سیاسی گروه های خارجی شود." در این نوشته به حرکات اعتراضی ای چون اعتراضات کارگران کارخانه لاستیک البرز، تعطیلی کارخانه پالایش قطران و ۴۰۰ کارگر بیکار آن کارخانه، دیرکرد پرداخت حقوق ۹ هزار کارگر تراکتور سازی تبریز، چینی حمید قم، صابر لاستیک گلپایگان و اخراج ۹۰ کارگر کارخانه آزمایش مرودشت و ۷۰ کارگر آرمین لوله شرق زاهدان اشاره شده است. و در انتهای این نوشته با هراس و نگرانی هشدار داده میشود: "با توجه به آنچه گفته شد، اگر دولت به سرعت

است و نباید بهانه دست ضد انقلاب بدهیم. کوچکترین حرکت کارگری در آنسوی مرزها توسط ضد انقلاب و بوسیله تلویزیونها در بوق و کرنا زده میشود. تمام تلاش مدیران باید در این جهت باشد که تا پایان سال و همچنین تا انتخابات ریاست جمهوری نباید هیچ کارگری را اخراج کنند. "قبل از آنهم مانور ناجا و قشون کشی خیابانی شان را راه انداختند تا بقول خودشان در برابر "بحران اجتماعی" و "چالشهای امنیتی" در جامعه کسب آمادگی کنند.

این ها همه در شرایطی است که صفوف رژیم بیش از هر وقت در هم ریخته و به جان هم افتاده اند. از دزدی های هم پرده بر میدارند و ولی فقیه شان را نشانه گرفته اند. آخرین نمونه افشاگریهایشان ناپدید شدن یک میلیارد از خزانه دولت احمدی نژاد است. باید این شرایط را دریافت. اینها همه حاکی از موقعیت قدرتمند قطب انقلاب است. حاکی از قدرت متحد اعتصاب سراسری کارگران است. بویزه در شرایطی که زمزمه اعتصاب سراسری بیش از یک میلیون معلم در میان است. باید با قدرت بیشتری حول خواستههای متحد و سراسری گرد آمد و امروز ظرف این اتحاد کانال جدید، و حزب کمونیست کارگری ایران است. باید کابوس دست اندرکاران حکومت را که سال ۸۸ سال اعتصابات کارگری است به واقعیت تبدیل کرد و با برپایی اعتصابات قدرتمند کارگری اعتراضی همه جانبه را به کل شرایط فلاکت باری که حکومت اسلامی سرمایه داران و کل کارفرمایان حریص بر کارگران تحمیل کرده اند به جریان انداخت.

وارد عمل نشده و کاری برای برطرف ساختن مشکلات کارگران ناراضی انجام ندهد، شاید شروع سال ۸۸ با اعتراضات سازماندهی شده مصادف شود. به بیانی، بی تفاوتی دولت نسبت به این مطالبات از یک سو و تلاش گروه های خارجی برای سازماندهی اعتراضات کارگری در داخل کشور می تواند اعتراضات پراکنده کارگران را که از دولت به طور کلی قطع امید کرده اند را به اعتراضاتی گسترده و سازماندهی شده تبدیل کند."

این اظهارات به روشنی از حال و هوای امروز جنبش کارگری، و قدرت اعتصاب کارگران پرده بر میدارد. بعلاوه نکته مهم در این گفته ها اعلام خطر از خارج کشور و ماهواره هاست. این گفته ها در واقع امر و به روشنی چیزی جز اشاره به حزب کمونیست کارگری ایران و کانال جدید نیست. به عبارتی روشنتر دارند از جلو آمدن یک قطب قدرتمند و از شکل گیری یک انقلاب سخن میگویند. البته این تنها سایت آینده نیست که چنین سخن میگوید. نمونه دیگر چنین اظهاراتی سخنان فرماندار ماهشهر در جلسه ای با شرکت کارفرمایان و مدیران و شهرداران منطقه اقتصادی ماهشهر است. بنا به یک گزارش فرماندار ماهشهر خطاب به شرکت کنندگان میگوید: "در دوره زمانی و شرایط حساسی قرار داریم و بنابراین باید مواظب تصمیماتی که در باره کارگران میگیریم، باشیم. باوجود مشکلات مالی پروژه ها، اولاً بنا به دستور شورای عالی تامین امنیت کشور و به تبع آن بخشنامه شورای تامین استان کلیه حقوق و مزایای کارگران در پایان سال باید پرداخت شود. چرا که منطقه خیلی حساس

کارگر کمونیست را تکتبیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان برسانید!

زنده باد سوسیالیسم